



مقدمه ظهور امام زمان، تعالی فکر است / عصر غیبت؛ دوران غضب حضرت حق

اگر ما یک ایمان درست داشته باشیم در همین شرایط هم به محضر امام عصر راه پیدا می‌کنم. اگر راه پیدا نمی‌کنم به خاطر سوء رفتار ماست.

اگر ما یک ایمان درست داشته باشیم در همین شرایط هم به محضر امام عصر راه پیدا می‌کنم. اگر راه پیدا نمی‌کنم به خاطر سوء رفتار ماست.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه پنجاه و پنجم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

وجه چهارمی که برای غیبت امام عصر بیان می‌کنند این است که این غیبت خشم الهی است. ما در دوران خوبی زندگی نمی‌کنیم. در دورانی هستیم که مورد غضب حضرت حق است.

امام باقر به محمد فرج نامه ای نوشتند که «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَاتًا عَنْ جَوَارِهِمْ» یعنی چون خدا تبارک و تعالی بر خلقش خشم کند ما را از جوارشان دور کند.

محدثین این روایت و این تیپ از روایات را در باب غیبت نوشته اند. یعنی وقتی خواستند راجع به غیبت امام عصر بنویسند، عنوانی را باز کردند و این تیپ از روایات را در آنجا نوشته اند. معلوم می‌شود که این مسئله غضب در دوران غیبت مطرح است.

جناب مجلسی در کتاب بحار، به این مسئله اشاره کردند و وقتی این روایت را ذکر می‌کنند، می‌فرمایند این تیپ از روایت بر این مسئله دلالت دارد که غیبت امام عصر نشانه غضب حضرت حق بر اکثریت جامعه است.

بنابراین گناهان ما موجب می‌شود که ما از فیض دیدار امام محروم باشیم. این را در طایفه ای از روایات که چند مورد آن را اشاره خواهم کرد، می‌بینیم.

امیرالمومنین می‌فرمایند «إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً عَمِيَاءَ مُنْكَسِفَةً لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا التَّوَمَّةَ قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا التَّوَمَّةُ قَالَ الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْمِي خَلْقَهُ عَنْهَا يَظْلِمُهُمْ وَ جَوْرَهُمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ - كَمَا كَانَ يُوسُفُ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ.»

یعنی به راستی که فتنه‌هایی ظلمانی و کدر و تاریک پشت سر دارید که جز نومه (کسی که عنوانی در مردم ندارد و به کئی قدرش مجهول و ناشناخته است) کسی از آن نجات نمی‌یابد، به آن حضرت عرض شد: ای امیرمؤمنان نومه چیست؟ فرمود: آن کسی است که مردم را می‌شناسد ولی مردم او را نمی‌شناسند، و بدانید که زمین از حجت خدای عز و جل خالی نمی‌ماند ولی خدای عزیز بزودی دیده‌ی خلقش را از او نابینا می‌سازد به خاطر ظلم و جورشان و زیاده روی آنان نسبت به خودشان و اگر زمین یک ساعت از حجت خدا خالی بماند اهل خود را فرو می‌برد، لکن آن حجت مردم را می‌شناسد و آنان او را نمی‌شناسند، چنان که یوسف مردم را (برادرانش را) می‌شناخت و آنها او را نمی‌شناختند.

لذا امیرالمومنین به صراحت بیان می‌کنند که دلیل اینکه امام عصر دیده نمی‌شوند، گناهان مردم است.

دلیل قرآن هم دارد. می‌فرمایند کسی به حقیقت قرآن راه پیدا نمی‌کند «لا یمسه الا المطهرون» مطهرون یعنی کسانی که اهل توبه باشند.

وقتی پیامبر قرآن و عترت را در حدیث ثقلین کنار هم می‌آورد، معطوف و معطوف علیه، حکم همدیگر را دارند. لذا شرط دستیابی که به حقیقت عترت هم تطهیر خواهد بود.

این سنت الهی در مورد امام دوازدهم است و به این معنی نیست که کسانی که در دوران حضرت صادق بوده اند و امام را می دیدند، انسان های خوبی بوده اند. این مسئله در دوران غیبت کارسازی دارد.

فرستاده امام زمان به پسر مهزیار که مشتاق دیدار امام بوده می فرماید «ما الذی ترید یا ابالحسن؟» چه می خواهی ای ابو الحسن؟ وی جواب داد: «الامام المحجوب عن العالم» امامی را که از جهان، پوشیده و پنهان است. او گفت: «و ما هو محجوب عنکم ولكن حجه سوء اعمالکم» امام از شما محجوب و پنهان نیست، اما بدرفتاری ها و زشتکاریهایتان، او را از شما پوشانده و مخفی ساخته است.

در توقیعی که از امام زمان به شیخ مفید در سرداب صادر شد، می فرماید «و لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَقَّهْمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَقَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ يَلْقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلْتُ لَهُمُ السَّعَادَةَ يُمْشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِقَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ يَنَا فَمَا يَخِيسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا تُؤِيرُهُ مِنْهُمْ»

یعنی اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علّت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آنچه از کردار آنان به ما می رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.

یعنی اگر من یک ایمان درست داشته باشم در همین شرایط به محضر امام عصر راه پیدا می کنم. اگر راه پیدا نمی کنم به خاطر سوء رفتار من است.

لذا بخشی از حکمت های غیبت به خود ما بر می گردد که مادامی که ما به وظایف خود عمل نکنیم، ظهوری هم رخ نخواهد داد. لذا حکمت چهارم در سیر بحثی که داشتیم به ما بر می گردد.

امام باقر در نامه ای به محمد ابن فرج می نویسند «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ»؛ یعنی چون خدا تبارک و تعالی بر خلقش خشم کند ما را از جوارشان دور کند.

ما چه گناهی کرده ایم که این اتفاق افتاده است؟ ما در رابطه با امام زمان دو مطلب داریم. ما یک وظیفه و تکلیفی نسبت به ایشان داریم و دوم اینکه ایشان مطالباتی از ما دارند که ما نسبت به آنها جهل داریم و آن را انجام نمی دهیم. لذا خداوند از ما خشمگین است.

روال زندگی ما آنچنان نیست که امام عصر، ظهور بفرمایند. ممکن است سوال شود مردمان ائمه گذشته قبل از امام زمان، آنقدر خوب بودند که امام خود را می دیدند؟ نه آنها بهتر از ما نبودند اما یک تفاوتی وجود دارد و آن این است که این امام یک رسالتی دارد و آن رسالت باید به اختیار و انتخاب جامعه جهانی، اتفاق بیفتد.

به همین دلیل است که مادامی که مردم این تغییرات را پیدا نکنند، امام هم ظهور نخواهند کرد. چون رسالت ایشان با سایر ائمه متفاوت است و اقتضای این تفاوت این است که جامعه پذیرای رهبری ایشان باشد.

امیرالمومنین بعد از جنایاتی که نسبت به ایشان شد، به عنوان خلیفه چهارم، انتخاب شد، اما آن رسالت به واسطه ایشان تحقق پیدا نکرد، چرا؟ چون اجتماع آن دوران مشکل داشت. امام می خواست اقامه عدالت کنند. عدل گستری ۳ مولفه دارد که یکی این است که جامعه عدالت پذیر باشد. در آن دوران جامعه توان درک و تحمل اجرای عدالت امیرالمومنین را نداشت.

روند رسالت ائمه این است که به مردم فرصت دهند. باید مردم به یک کمال و بلوغ برسند که اجرای عدالت از توان بشر خارج است و باید امام متولی آن باشد.

زبیر فردی بود که به فرموده امیرالمومنین غم های زیادی را از دل پیامبر بیرون آورد، اما طی ۲۵ سال بعد از پیامبر به یک فرد دنیازده تبدیل شد که عدالت امیرالمومنین را بر نمی تابید.

لذا جامعه باید به سمتی برود که این عدالت را بپذیرد. تا انسان رشد نکند نمی تواند به دنبال امام زمان برود و این مسئله با تربیت دینی محقق می شود. جای علوم تربیتی در جامعه ما خالی است.

مردم ما عموماً آخرت باور نیستند. قرآن می فرماید «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» یعنی ای کسانی که مدعی ایمان هستید، ایمان شما ایمان واقعی نیست.

ایمان حقیقی، تسلیم خدا بودن است. ما می توانیم با دلایل قطعی عقلی و نقلی، مثلاً معاد را اثبات کنیم ولی تسلیم معاد نیستیم.

مردم ما مطالبات معیشتی دارند که درست هم هست و باید معیشت مردم روی روال باشد اما من کمتر دیدم که مطالبات تربیتی بین مردم وجود داشته باشد.

جامعه ما دین دارد و نماز و روزه را انجام می دهد اما تعالی فکر پیدا نکرده است. مقدمه ظهور امام زمان، آن تعالی است. ما باید یک اقدامی بکنیم «ان تنصروا الله ینصرکم».